

موضوع علم اقتصاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۴/۲۰

سیدحسین میرمعزی *

۷

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هفتم / شماره ۲۸ / زمستان ۱۳۸۶

چکیده

این مقاله به بحث درباره موضوع علم اقتصاد اسلامی و گستره آن می پردازد. در این باره سه نظریه وجود دارد: موضوع علم اقتصاد اسلامی همچون علم اقتصاد متعارف، پدیده های اقتصادی است؛ موضوع آن رفتارهای اقتصادی مسلمان ها در جامعه اسلامی است؛ موضوع آن رفتارهای اقتصادی انسان ها در جامعه انسانی است.

نظریه سوم معتقد است که علم اقتصاد اسلامی علمی جهان شمول و مشتمل بر قانون های علمی عامی است که این علم را بر تبیین رفتارهای انسان با صرف نظر از باورها و ارزش های وی، قادر می سازد.

این مقاله با تحلیل نظریه های پیش گفته به این نتیجه می رسد که، علم اقتصاد جهان شمول امکان تحقق ندارد و علم اقتصاد را به دو وجه می توان به اسلام منتسب کرد: از راه موضوع و از راه میانی معرفت شناختی و هستی شناختی.

اگر موضوع علم، رفتارهای انسان های مسلمان در جامعه اسلامی باشد حتی اگر روش وصف و تبیین و پیش بینی یکسان باشد، نتیجه ها فرق می کند؛ زیرا اصول مذهب اقتصادی اسلام و انگیزه های فرد مسلمان و اخلاق و حقوق اسلامی با سرمایه داری متفاوت است.

Email: mir_qom@yahoo.com

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اگر موضوع آن رفتارهای اقتصادی انسان‌های مسلمان در جامعه اسلامی نباشد وجه انتساب آن به اسلام باید انتساب روش این علم به اسلام باشد. روش علم اقتصاد بر مبنای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مکتب سرمایه‌داری مبتنی است که با این مبنای در مکتب اسلام متفاوت است. اگر بتوان روشی متفاوت با علم اقتصاد متعارف ارائه کرد که مبتنی بر مبنای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام باشد می‌توان مدعی بود که علم اقتصاد اسلامی جهان‌شمول است.

واژگان کلیدی: موضوع علم، اقتصاد اسلامی، رفتار اقتصادی مسلمان، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی.

طبقه‌بندی JEL: A19, Z12.

مقدمه

موضوع علم مقوله‌ای است که در آن از حالات، اوصاف و معروضات آن بحث می‌شود و اصلی‌ترین ملاک تمایز و تشخیص علوم است. از این‌رو تعیین چیستی موضوع هر علم ضرورت دارد.

در مقاله می‌کوشیم نظرهای گوناگون درباره موضوع علم اقتصاد اسلامی را نقد و بررسی کنیم. شایان ذکر است علم اقتصاد اسلامی در دو اصطلاح به کار می‌رود؛ در یک اصطلاح در جایگاه یک دانش (Knowledge) مفهوم عامی دارد که شامل مذهب و نظام اقتصادی اسلام نیز می‌شود. در اصطلاح دیگر مفهوم خاصی در برابر مذهب و نظام دارد. مقصود از علم اقتصاد اسلامی در این مقاله اصطلاح دوم است. در این اصطلاح علم اقتصاد اسلامی در یک نگاه تطبیقی با علم اقتصاد متعارف، علمی است که به وصف و تبیین و پیش‌بینی واقع خارجی می‌پردازد.

پیشینه

علم اقتصاد متعارف از بدو پیدایش تا کنون دو دوره را پشت سر گذاشته است. ریمون بار می‌گوید:

در گذشته یک دریافت ماشینی و اندام‌واری بر اقتصاد غلبه داشته است. ... امروزه دریافت انسانی از علم اقتصاد است که به‌رغم نوعی ادامه حیات مفاهیم گذشته جای خود را باز کرده است (بار، ۱۳۷۵: ۱، ۸۰).

به تناسب این تغییر، موضوع علم اقتصاد نیز از پدیده‌های اقتصادی به رفتارهای اقتصادی تغییر یافته است. امروزه اقتصاددانان رفتارهای اقتصادی انسان و جامعه را موضوع علم اقتصاد می‌دانند و این علم را جزو علوم انسانی یا اجتماعی می‌شمارند.*

اقتصاددانان مسلمان به چند گروه تقسیم می‌شوند: برخی از تعبیه‌هایی مانند اصول اقتصاد اسلامی (به‌طور نمونه ر.ک: قری، ۱۴۲۳؛ عوده، ۱۴۲۶)، نظام اقتصادی اسلام (به‌طور نمونه ر.ک: فتیحی احمد و عسّال، ۱۴۱۳) و مانند آن استفاده کرده‌اند. برخی دیگر اصطلاح علم را به‌کار برده اما مقصودشان معنای عامی است که شامل مذهب و نظام اقتصادی نیز می‌شود (به‌طور نمونه ر.ک: یسری احمد، ۲۰۰۳: ۱۸ - ۱۷). تعدادی از اقتصاددانان مسلمان درباره علم اقتصاد اسلامی به معنای خاص آن یعنی علمی که به وصف و تبیین و پیش‌بینی واقع خارجی می‌پردازد، به بحث و اظهار نظر پرداخته‌اند. گروه اخیر به سه دسته تقسیم می‌شوند: ا. برخی چون شوقی فنجری (شوقی فنجری، ۱۹۹۷: ۶۱) و جنیدل (جنیدل، ۱۴۰۶: ۲۷) و نجار (نجار، ۱۴۲۴: ۳۴-۳۳) بر این باورند که موضوع علم اقتصاد پدیده‌های اقتصادی است.

ب. برخی بر این باورند که موضوع علم اقتصاد اسلامی پدیده‌ها یا رفتارهای اقتصادی مسلمان در جامعه اسلامی از دیدگاه خرد و کلان است، از این‌رو بر این باورند که تا وقتی رفتارها براساس آموزه‌های اسلام شکل نگرفته و مذهب اقتصادی اسلام پیاده نشده است نمی‌توان از علم اقتصاد اسلامی به‌طور دقیق سخن گفت. شهید صدر^۱ نخستین کسی است که از این مطلب دفاع کرده و می‌گوید:

«اسلام مذهب اقتصادی دارد نه علم اقتصاد».

از کلمات شهید صدر^۲ استفاده می‌شود که موضوع علم اقتصاد به‌طور کلی، رفتارها و پدیده‌های اقتصادی تحقق‌یافته است و تا وقتی مذهب اقتصادی اسلام تحقق نیافته،

*. به‌طور نمونه مارشال در تعریف علم اقتصاد می‌گوید: «اقتصاد بررسی آن بخش از فعالیت فردی و اجتماعی است که اساساً برای رسیدن به وضع مادی رفاه و استفاد از آن اختصاص می‌یابد» (به نقل از: بار، ۱۳۷۵: ۱، ۱۹). همچنین هندرسن و کوانت علم اقتصاد را چنین تعریف می‌کنند: «علم اقتصاد یکی از علوم اجتماعی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و جمعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد» (جمیز. م. هندرسن و ریچارد ا. کوانت، بی‌تا: ۹). لودویک اچ مای نیز می‌گوید: «اقتصاد علمی است که رفتار و رابطه‌ی انسان را با اشیای مادی مورد احتیاج و خواست او که به رایگان به وسیله طبیعت تأمین نمی‌شود، مورد مطالعه قرار می‌دهد» (اچ‌مای، بی‌تا: ۱۱). (ر.ک. فرگوسن، ۱۳۶۶: ۱، ۵-۷؛ لیپسی و هاربری، ۱۳۷۸: ۲۰؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۴).

نمی‌توان از علم اقتصاد اسلامی به‌طور قطع سخن گفت (صدر، ۱۴۰۸: ۳۳۸-۳۳۱).
 برخی اقتصاددانان دیگر چون محمد مهلهل نظر شهید صدر^{۱۱} را با ضمیمه کردن برخی مطالب تکمیلی، تأیید می‌کنند (مهلهل، ۱۴۲۳: ۳۳ - ۲۵).
 ج. برخی دیگر چون شوقی دنیا، مندر قحف و انس زرقا بر این باورند که موضوع آن پدیده‌ها و رفتارهای انسان و جامعه انسانی است.

ساختار و روش

ساختار مقاله بدین ترتیب است که ابتدا هر یک از نظریه‌های سه‌گانه پیش‌گفته درباره موضوع علم اقتصاد اسلامی تبیین و نقد و بررسی خواهد شد. روش بحث تحلیلی است، اما به علت آنکه صاحبان نظریه سوم به آیه‌ها و روایت‌ها استناد کرده‌اند در این بخش از مقاله به بررسی آیه‌ها و روایت‌های مورد استناد پرداخته‌ایم و سرانجام فرضیه مورد نظر خود را تحت عنوان نظریه مختار ارائه و اثبات کرده‌ایم.

فرضیه

علم اقتصاد اسلامی با روشی جهان‌شمول مبتنی بر میانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی خود می‌تواند به وصف و تبیین و پیش‌بینی درباره رفتارهای اقتصادی مسلمان‌ها و غیر مسلمان‌ها در جامعه‌های اسلامی و غیراسلامی بپردازد و به این معنا موضوع آن انسان و جامعه انسانی است، اما این به معنای داشتن قانون‌های عامی که بتوان به‌وسیله آنها رفتارهای اقتصادی انسان را با صرف‌نظر از بینش‌ها و ارزش‌های وی تبیین کرد، نیست. علم اقتصاد اسلامی با این روش قادر است جامعه‌های اسلامی و غیراسلامی را مطالعه کند، اما نتایج مطالعه در این دو جامعه با یکدیگر متفاوت خواهد بود.

بررسی نظریه‌ها

نظریه نخست: موضوع علم اقتصاد پدیده‌های اقتصادی است.

فنجری در این باره می‌گوید:

علم اقتصاد به تحقیق و تحلیل درباره پدیده‌های اقتصادی می‌پردازد به این هدف که

قانون‌های حاکم بر آنها را استخراج کند. ... علم اقتصاد چهره نظری دارد و ربطی به اخلاق و سیاست و جهت‌گیری‌های سیاسی دولت یا درک جامعه از مفهوم عدالت به‌ویژه در نزد دو مذهب سرمایه‌داری و سوسیالیستی ندارد. ... قانون‌های اقتصادی قاعده‌ها و حقیقت‌های علمی هستند که دین و جنسیت نمی‌شناسند. این قانون‌های جهانی هستند و ملت‌ها و قوم‌های گوناگون مختلف به تبع اختلافی که در مفهوم‌های اجتماعی دارند در این قانون‌ها اختلاف نمی‌کنند. اما کیفیت به‌کارگیری این قانون‌ها و قاعده‌های اقتصادی و راه تأثیرگذاری در آنها و استفاده از آنها وظیفه مذهب اقتصادی به حسب اهداف آن مذهب است. (شوقی‌فنجری، ۱۹۹۷: ۶۱)

جنیدل و نجار نیز همین مطالب را به همین صورت نقل و تأیید کرده‌اند (ر.ک: جنیدل، ۱۴۰۶: ۲۷؛ نجار، ۱۴۲۴: ۳۴ - ۳۳)

به نظر می‌رسد آنان تحت تأثیر کسانی که دریافتی ماشین‌وار و مکانیکی از اقتصاد دارند قرار گرفته و تصور می‌کنند پدیده‌های اقتصادی و قانون‌های حاکم بر آنها با رفتارهای اقتصادی انسان‌ها ارتباطی ندارد. پدیده‌های اقتصادی همچون بیکاری، تورم، رکود، رونق و ... در سطح کلان و کاهش یا افزایش قیمت یا تولید یک کالا در سطح خرد، همگی نتیجه رفتارهای دولت و مردم در یک نظام اقتصادی هستند. این رفتارها نیز از بینش‌ها و ارزش‌های حاکم بر آحاد مردم و دولت‌مردان متأثر است.

همچنین قانون‌های اقتصادی که در علم اقتصاد از آنها بحث می‌شود و به صورت معادله‌ها و رابطه‌های ریاضی بیان می‌شود، اغلب از بینش‌ها و ارزش‌های مکتبی متأثر هستند. این رابطه‌ها در مجموع، چهار قسمند (ر.ک: همتی، بی تا: ۱۷-۱۹؛ فریدون تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۶ - ۱۹؛ بار، ۱۳۷۵: ۱، ۶۹ - ۷۱):

۱. **رابطه‌های تعریفی:** این رابطه‌ها که به صورت اتحادهای ریاضی نشان داده می‌شوند، بیانگر یک رابطه مسلّم و پذیرفته شده‌اند که براساس یک تعریف مورد قبول نوشته می‌شود. این رابطه‌های ریاضی، بیان‌کننده رفتارهای دیکته‌شده یک نظام رفتاری معین است و به‌طور کامل از ساختار نظام اقتصادی تأثیر می‌پذیرد؛

۲. **رابطه‌های رفتاری:** این رابطه‌ها، عمل یا عکس‌العمل گروه‌های عامل اقتصادی را در برابر تغییرهای متغیرها می‌نمایاند و به صورت توابع ریاضی بیان می‌شود؛

۳. **رابطه‌های نهادی:** این رابطه‌ها بر اساس قانون‌ها و مقررات یک جامعه پدید می‌آیند و

به صورت معادله‌های ریاضی نوشته می‌شوند. به طور مثال، معادله $T (T=O= t.Y)$ که مالیات را تابعی از درآمد نشان می‌دهد، منعکس‌کننده قانون مالیات در نظام اقتصادی است؛ ۴. رابطه‌های فنی: این نوع رابطه‌ها، بیان‌گر رابطه بین تولید و عامل‌های تولید است و به سطح و نوع فن‌آوری موجود بستگی دارد.

در میان این رابطه‌ها فقط رابطه‌های فنی هستند که می‌توان گفت نسبت به بینش‌ها و ارزش‌ها خنثی هستند. بقیه رابطه‌ها و معادله‌ها به نوعی از بینش‌ها و ارزش‌ها، حقوق و اخلاق حاکم بر یک نظام اقتصادی تأثیر می‌پذیرند. به همین علت است که اقتصاددانان متأخر غرب علم اقتصاد را جزو علوم اجتماعی می‌شمارند و موضوع آن را رفتارهای انسان‌ها در سطح خرد و کلان قرار می‌دهند. بر این اساس این نظریه را نمی‌توان پذیرفت.

نظریه دوم: موضوع علم اقتصاد اسلامی، رفتار اقتصادی مسلمان‌ها در جامعه اسلامی است

از کلمات شهید صدر^{۱۱} درباره علم اقتصاد این نظریه استفاده می‌شود. وی در تعریف علم اقتصاد می‌نویسد:

«علمی است که به تفسیر زندگی اقتصادی و حوادث و پدیده‌های آن و ربط این حوادث و پدیده‌ها به عوامل کلی حاکم بر آنها می‌پردازد» (صدر، ۱۴۰۸: ۲۸ و ۳۳۷).

وی بر این باور است که تفسیر علمی حوادث اقتصادی از دو راه امکان‌پذیر است:

أ. جمع‌آوری حوادث اقتصادی از راه تجربه واقعی زندگی و تنظیم علمی آنها به گونه‌ای که سبب کشف قانون‌های حاکم بر این حوادث در محدوده آن زندگی واقعی و شرایط ویژه آن شود؛

ب. شروع در بحث علمی از مسلمات معینی که ابتدا فرض تحقق آنها می‌شود و در پرتو آن فروض توجیه اقتصادی و کیفیت جریان حوادث استنتاج می‌شود.

راه نخست برای تحقق علم اقتصاد اسلامی متوقف بر آن است که مذهب اقتصادی اسلام در عالم واقع تحقق یابد و راه دوم برای توضیح برخی حقایق زندگی اقتصادی در جامعه اسلامی مفید است، اما این‌گونه تفسیرها تا زمانی که با تجربه‌های جمع‌آوری شده از واقع خارجی آزمون نشود نمی‌تواند مؤکد علم اقتصاد اسلامی به صورت عام و دقیق آن شود؛ زیرا بسیاری موارد بین زندگی واقعی و تفسیرهایی که براساس فروض صورت

می‌گیرد تفاوت وجود دارد. افزون بر این عنصر روحی و فکری در جامعه اسلامی اثر فراوانی در زندگی اقتصادی دارد و این عنصر حدود تعریف‌شده و شکل معینی ندارد تا بتوان آن را فرض کرد و بر اساس آن نظریه‌پردازی علمی کرد.

بنابراین تا وقتی که مذهب اقتصادی اسلام با همه اصول، مشخصات و اجزایش در متن زندگی پیاده نشود، و وقایع و تجربه‌های اقتصادی آن جامعه به صورت منظم مورد بررسی قرار نگیرد، امکان ندارد علم اقتصاد اسلامی به معنای حقیقی آن متولد شود (همان: ۳۳۴-۳۳۱). از تعریفی که دیگر اقتصاددانان مسلمان از علم اقتصاد کرده‌اند نیز استفاده می‌شود که این نظریه را مسلم پنداشته‌اند، بنابراین بر آن استدلال نکرده‌اند.*

با قبول این فرض که علم اقتصاد به وصف، تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها و رفتارهای اقتصادی در عالم واقع می‌پردازد، کلام شهید صدر^ع را بررسی می‌کنیم. وی، یگانه راه انتساب علم اقتصاد به اسلام را در این می‌داند که موضوع بررسی‌های اقتصادی، رفتارها و پدیده‌ها در جامعه اسلامی باشد و جامعه اسلامی نیز به نظر وی جامعه‌ای است که در آن مذهب اقتصادی اسلام با تمام شرایط و اجزایش تحقق یافته است. به نظر می‌رسد وی روش علم اقتصاد متعارف در وصف، تبیین و پیش‌بینی را بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای پذیرفته‌اند. همچنین نقش جهان‌بینی‌های متفاوت در علم در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که روش علم اقتصاد متعارف بر اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و نگاه نومیالیستی به مفهوم‌های کلی مبتنی است. در این علم نقش عامل‌های مجرد و غیرمادی در پدیده‌ها و رفتارها نفی می‌شود و به انسان به صورت موجود مادی که در پی حداکثر کردن لذت و سود است نگریسته می‌شود. در کنار تجربه بشری به عقل بهای لازم داده نمی‌شود و وحی نیز در جایگاه ابزار یا منبع معرفت در نظر گرفته نمی‌شود. در علم اقتصاد متعارف، مفهوم‌های کلی ساخته‌های ذهنی هستند که واقعیت خارجی ندارند از این رو باید از راه

*. به‌طور نمونه، محمد فیصل آل‌سعود می‌گوید: «الاقتصاد الاسلامی هو علم وسایل استخدام الانسان لما استخلف فيه لسد حاجات الفرد والمجتمع الدنیویة طبقاً لمنهج شرعی محدد». آل‌سعود، بی‌تا: ۲۷؛ به نقل از طریقی، ۱۴۱۷: ۴۰). همچنین بعلی می‌گوید: «الاقتصاد الاسلامی هو العلم الذی یبذل عناية الاشخاص بالمال فی کسبه و فی انفاقه وفق مقاصد الشریعة و احکامها» (بعلی، ۱۴۲۱: ۲۹-۲۲). این تعریف‌ها نشان می‌دهد که موضوع علم اقتصاد در نزد این افراد، انسان مسلمان و جامعه اسلامی است زیرا قیدهایی همچون «بر طبق روش شرع اسلام» و «موافق با مقاصد شریعت اسلام» در تعریف آمده است.

آزمون تجربی با خارج تطبیق شوند.

مبانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی علم اقتصاد متعارف با مبانی اسلامی متفاوت است و این تفاوت باعث اختلاف در روش وصف و تبیین و پیش‌بینی می‌شود. بنابراین، حتی اگر جامعه اسلامی نباشد و یک جامعه سرمایه‌داری باشد و بخواهیم با مبانی معرفت‌شناختی و جهان‌شناختی اسلامی به وصف و تبیین و پیش‌بینی پردازیم نتیجه‌ها به مقدار فراوانی متفاوت می‌شود. به همین علت است که پیش‌بینی‌های اندیشه‌وران اسلامی مانند امام خمینی علیه السلام با پیش‌بینی‌های رهبران سرمایه‌داری به کلی متفاوت است. امام خمینی علیه السلام این نظام را رو به زوال می‌بیند در حالی که آنها به جهانی شدن می‌اندیشند.

از این رو، می‌توان به علم اقتصاد اسلامی به صورت علمی که در آن با مبانی بینشی اسلام درباره معرفت، هستی و انسان، به وصف، تبیین و پیش‌بینی رفتارها و پدیده‌های اقتصادی می‌پردازد اندیشید.

نظریه سوم: موضوع علم اقتصاد اسلامی رفتارهای اقتصادی انسان‌ها در جامعه انسانی است

براساس این نظریه موضوع علم اقتصاد اسلامی انسان و جامعه انسانی است. در این نظریه این علم، علمی جهان‌شمول تلقی می‌شود که قادر است رفتار اقتصادی انسان در سطح خرد، و جامعه انسانی در سطح کلان را تحلیل کند. این نظریه اخیراً به وسیله برخی از اقتصاددانان مسلمان مطرح و بر آن استدلال شده است. در ادامه به نقد و بررسی نظریه‌ها و استدلال‌های آنان خواهیم پرداخت.

۱. نظر شوقی‌دنیا

شوقی‌دنیا در مقاله «نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی» این پرسش را مطرح می‌کند که آیا موضوع علم اقتصاد اسلامی، رفتار اقتصادی مسلمان است یا رفتار اقتصادی انسان به طور عام؟ به عبارت دیگر، آیا موضوع علم اقتصاد اسلامی صرفاً پدیده اقتصادی است یا پدیده اقتصادی موجود در جامعه اسلامی؟

وی در پاسخ به این پرسش این نظر که «موضوع اقتصاد اسلامی انسان است نه انسان مسلمان»، را تقویت کرده و سه علت بر آن اقامه می‌کند:

۱. همان‌طور که قرآن کریم تصریح کرده که کتاب هدایت برای مسلمانان است، جهانی‌بودن خود را نیز به صراحت ابراز کرده و هدایتش متوجه همه مردم است و همه آنان به هدایت دعوت شده‌اند و سنت‌های الهی در جهان هستی و در رفتار آفریده‌ها از جمله انسان، بدون استثنا جاری است؛

۲. در آیه‌های بسیاری، رهنمودهای اقتصادی عام که به مسلمانان اختصاص ندارد، یافت می‌شود؛

۳. قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر ﷺ، به تعریف، تفسیر و ارزیابی رفتار اقتصادی غیرمسلمانان می‌پردازد.

ایشان سپس این اشکال را مطرح می‌کنند که با پذیرش تفاوت فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورها و تأثیر آنها بر رفتارهای اقتصادی، چگونه ادعا کنیم که اقتصاد اسلامی برای همه انسان‌هاست؟ و در پاسخ می‌گویند:

این اشکال بر این مبتنی است که رهنمودهای اقتصاد اسلامی از مردم و فرهنگ خاصی ناشی شده و بخواهیم آن را به همه مردم تسری دهیم؛ در حالی که این رهنمودها اصولاً از سوی انسان‌ها - هر که باشند - نیامده؛ بلکه از سوی خداوند، آفریدگار همه انسان‌ها و فرهنگ‌ها آمده است و در نتیجه، تمام مردم در برابر آن یکسانند و همه مخاطب آن هستند. هر کس آن را دریابد و بدان عمل کند، به همان اندازه برایش سودمند واقع می‌شود و هر کس بر آن بشورد و با آن به ستیز برخیزد، دچار خسران خواهد شد. آیا سفارش به عدم اسراف فقط برای مسلمان مفید است؟ آیا فقط اسراف‌کار مسلمان، سرزنش می‌شود؟ (ر.ک: شوقی دنیا، ۱۳۸۲: ۱۳۴ - ۱۳۲).

به نظر می‌رسد این استدلال‌ها کافی نیست. در پاسخ به استدلال نخست باید گفت: شکی نیست که قرآن کریم الگوهای مطلوب و راهبردهای دستیابی به آنها را برای همه بیان کرده است و همه مردم مخاطبند، اما این بدان معنا نیست که هر کس با هر عقیده و ارزشی که به آن معتقد است با حفظ باورهایش مخاطب است. بلکه این به معنای تخطئه باورها و ارزش‌های نادرست و تأیید باورها و ارزش‌های درست است. در حقیقت قرآن کریم به همه مردم سفارش می‌کند که دست از باورها، ارزش‌ها و رفتارهای نادرست بردارند و به ارزش‌ها و باورها درست ملتزم شوند و رفتارهای متناسب با آنها را الگوی خود قرار دهند. آیا نهی از اسراف درباره فردی که به مکتب سرمایه‌داری باور دارد و سعادت فرد را در

لذت هر چه بیشترش از این دنیای مادی می‌بیند بدون تخطئه باورها و ارزش‌های وی معنا دارد؟ بی‌تردید فردی که به بینش‌ها و ارزش‌های سرمایه‌داری باور دارد اسراف در مصرف را الگوی مطلوب می‌بیند. همچنین فردی که سعادت خود را در بیشینه کردن نفع شخصی می‌بیند و انفاق به دیگران را ارزش نمی‌پندارد، نمی‌تواند مصداق این آیه کریمه باشد:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا».

در استدلال دوم، آیه‌هایی را که وی به آن استدلال می‌کند بر مقصودش دلالتی ندارد. ما این آیه‌ها را همراه با آیه‌های دیگری که زرقا و قحف به آن استدلال می‌کنند در پایان این مبحث بررسی می‌کنیم.

استدلال سوم نیز صحیح نیست. البته این یک واقعیت است که در قرآن کریم و منابع روایی رفتار دو گروه از انسان‌ها تبیین شده است: ا. رفتار کفار، مشرکان و دنیاپرستان که باورها و ارزش‌های غلط دارند و رفتار مؤمنان و آخرت‌گرایان که باورهای درست دارند. در قرآن کریم باورها، ارزش‌ها و قاعده‌های رفتاری هر دو گروه بیان شده و همراه با آن رفتار آخرت‌گرایان تأیید و رفتار دنیاپرستان تقبیح شده است. اما در قرآن کریم اصول عامی که با آن بتوان رفتار هر دو گروه را تحلیل کرد وجود ندارد و به نظر می‌رسد در این مقاله بین این دو مطلب خلط شده است.

پاسخ وی به اشکالی که مطرح می‌کنند نیز کافی نیست. اگر در واقع باورها، فرهنگ‌ها و ارزش‌ها در رفتارهای اقتصادی دخیل باشند باید در رهنمودهای خداوند نیز در نظر گرفته شوند و چنان که در پاسخ به استدلال نخست گفتیم در رهنمودهای خداوند باورها و ارزش‌های درست مورد نظر است و اینکه در این رهنمودها خطاب به صورت عام است به معنای تخطئه باورها و ارزش‌های نادرست است.

نظر انس زرقا

انس زرقا نیز بر این باور است که وظیفه علم اقتصاد اسلامی شامل تفسیر واقع اقتصادی در جامعه اسلامی و غیراسلامی است.

ایشان در مقاله «روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی»^{*} در بحث گستره اقتصاد می‌گوید:

*. متن انگلیسی این مقاله در کتاب (Awan, 1992, *Lectures on Islamic economics*) به چاپ رسیده است.

«برای بحث درباره این موضوع، پرسش‌های ذیل را ملاحظه کنید: گستره اقتصاد اسلامی چیست؟ آیا گستره آن به مطالعه و تحلیل روابط در جامعه آرمانی اسلامی محدود است یا به همه جوامع اقتصادی هر جا که باشند (چه درون و چه بیرون از فضای اسلامی) نظر خواهد داشت؟» (زرقا، ۱۹۹۲: ۱۲۳).

در پاسخ می‌گوید:

«به نظر من، یگانه پاسخ درست این است که اقتصاد اسلامی، پدیده‌های اقتصادی را در سراسر جامعه بشری اعم از اسلامی یا غیراسلامی مطالعه می‌کند. این بحث می‌تواند از سوی قرآن و سنت پشتیبانی شود» (همان).

در این مقاله استدلال وی چنین است که «قرآن و سنت توجه ما را به رابطه‌ها و متغیرهایی جلب می‌کند که به رفتار مسلمانان محدود نشده و با رفتار تمام انسان‌ها ارتباط دارد؛ به‌طور نمونه، تمایل انسان‌ها به مقدار بسیار فراوان ثروت، به‌صورت گرایش عمومی بشر که به مسلمانان منحصر نیست، بیان شده است» (همان).

ایشان در مقاله «اسلامی کردن علم اقتصاد» در مقام استدلال بر این نظر می‌گویند:

«مثال‌های ارائه‌شده از قرآن و سنت در مورد مقوله‌های وصفی بر صحت گفته‌هایم دلالت دارد؛ زیرا شدت حب ثروت‌خواهی به‌وسیله مردم و تاثیر ثروت فراوان بر تمایل انسان به طغیان و ارتباط متقابل توابع مطلوبیت افراد، همگی مقوله‌های وصفی عام از حیات اقتصادی در هر جامعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان است؛ البته برخی از متغیرها در یک جامعه پنهان و در جامعه‌ای دیگر ظاهر هستند. همچنین هر جامعه ممکن است مؤسسه‌های اقتصادی ویژه‌ای داشته باشد که در جامعه دیگر وجود ندارد؛ اما این اختلاف سبب نمی‌شود که هر جامعه‌ای علم خاص به خود داشته باشد؛ بلکه این علم شمول و عموم لازم برای در برگرفتن تمام این حالات خاص را دارد. به عبارتی دیگر، این قول که علم اقتصاد اسلامی علمی شامل و جهانی است، با وجود برخی از ویژگی‌ها در موضوعات مورد مطالعه منافاتی ندارد؛ به‌طور مثال، در علم اقتصاد اسلامی، برخی از مطالعات یافت می‌شوند که عادتاً در علم اقتصاد غربی مورد مطالعه قرار نمی‌گیرند؛ مانند زکات و حج؛ اما این بدان معنا نیست که مبادی وصفی و ارزشی عام علم اقتصاد اسلامی بر همه جوامع انطباق نداشته باشند» (زرقا، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

۳. نظر منذر قحف

منذر قحف نیز با این نظریه موافق است. وی در مقاله «اقتصاد اسلامی، تعریف و روش»^{*} در بخش نخست آن تحت عنوان «یک تعریف اسلامی از علم اقتصاد» می‌گوید: «از دیدگاه اسلام علم اقتصاد جهان‌شمول وجود دارد و عبارت است از: «مطالعه رفتار فردی و اجتماعی بشر در ارتباط با استفاده از منابع در جهت تأمین اهداف مادی بشر» (قحف، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

به عقیده وی، این علم مشتمل بر قانون‌های جهان‌شمولی است که بر تمام مردان و زنان با اختلاف‌های موقعیتی قابل تطبیق است:

«قلمرو این علم عبارتست از: رفتار بشر با همه جوانب آن و تحت هر نوع از ارزش‌های اخلاقی و مذهبی و در داخل تمام چارچوب‌های اجتماعی، سیاسی و قانونی. نظریه‌های اقتصادی باید بتوانند رفتار مؤمنان و غیرمؤمنان را در جهت پیگیری هدف‌های مادی توضیح دهند» (همان: ۱۶۹).

از کلمات وی بر این ادعا دو علت می‌توان اقامه کرد:

علت نخست، علم العمران ابن‌خلدون است. خلاصه‌ی تقریر وی از این علت چنین است: ابن‌خلدون یک علم رفتاری جدید و بی‌سابقه را اختراع کرد که آن را علم تمدن بشریت و جامعه انسانی می‌نامید. ابن‌خلدون این علم را به صورت علم مطالعه تمدن بشر و جامعه انسانی از منظر «تبیین اوضاع و احوالی که برای جامعه‌های بشری به مقتضای ذات آنها اتفاق می‌افتد» تعریف می‌کند. علم جدید وی، کشف الگوی اجتماع بشری به گونه‌ای که برای تمام بشریت به کار رود، را هدف قرار داده است. ابن‌خلدون هیچ نیازی به منحصرکردن این علم فقط به جامعه‌های اسلامی یا به مسلمانان احساس نکرد، چون این مطلب از کلیت علم جدیدش و قدرت تحلیلی آن برای توضیح رفتار تمام افراد بشر می‌کاست. هدف علم جدید ابن‌خلدون به دست آوردن قانون‌های جهانی است، قانون‌هایی که می‌تواند برای آزمون تاریخ و جدا کردن داستان‌های راست آن از داستان‌های دروغش مورد استفاده قرار بگیرد. بدیهی است ابن‌خلدون، به علت داشتن چنین نگرش فراگیر، هرگز غیراسلامی شمرده نمی‌شود. علم جدیدش درباره‌ی مدنیت بشر «علم العمران» یک نظام

*. این مقاله از سایت منذر قحف گرفته شده است.

اسلامی بود نه یک نظام سنتی. بنابراین، ما پیشینه‌ای از یک علم رفتاری داریم که با پدیده‌ای جهان‌شمول سروکار دارد. علمی که مسلمانان ناچار نبودند آن را در یک جامعه مسلمان یا یک نظام اسلامی محدود کنند. چرا ما اقتصاددانان اسلامی نتوانیم در باره یک مفهوم جهانی از علم اقتصاد نیز بیاندیشیم؟ در واقع «علم العمران» ابن خلدون تا حدی علم اقتصاد را به عنوان یک شاخه فرعی پوشش می‌دهد. ابن خلدون در ذکر مواردی از اجتماعی کردن بشر که در قلمرو دانش اختراعی وی می‌باشد، می‌گوید:

«... آنچه که مردم از درآمد، معاش، علوم، مهارت‌ها [و صنایع] و غیره دارند حاصل کار و کوشش آنهاست».

بنابراین علم اقتصاد به عنوان بخشی از مطالعه تمدن و جامعه بشر باید چنین تعریف شود:

«مطالعه رفتار فردی و اجتماعی بشر در ارتباط با استفاده از منابع در جهت تأمین اهداف مادی بشر» (ر.ک: همان: ۱۶۶).

درباره استدلال نخست باید گفت: ابن خلدون در صدد تأسیس علمی بود که موضوع آن اجتماع بشری و هدف آن شناخت ماهیت حوادث و وقایع اجتماعی و کشف قانون‌مندی‌های آن و مسایل آن عوارض ذاتی اجتماع انسانی است؛ مانند: آغاز پیدایش جامعه‌ها و دولت‌ها و همزمانی ملت‌های نخستین و اسباب تحول‌ها و تزلزل‌ها در نسل‌ها و ملت‌های گذشته و آنچه در این جامعه‌ها رخ می‌دهد مانند دولت و ملت، عزت و ذلت، کثرت و قلت، علم و صنعت، شهر و دهکده و درآمد و هزینه و ... با این وجود باید دو مطلب را بررسی کرد:

نخست اینکه وی چقدر در این امر کامیاب بوده است؟ به هر حال ابن خلدون نیز با همه نبوغی که داشته، در شرایط زمان و مکان خود محصور بوده است. افزون بر این با بینش‌ها و ارزش‌های خاص خود به امور نگریسته و تحلیل کرده است. امروز که حدود شش قرن از ابن خلدون فاصله گرفتیم وقتی به نظرهایش مراجعه می‌کنیم در عین شگفتی از قدرت تفکر و گستره اطلاعات وی درباره علوم زمان خود و در عین اقرار به اینکه مؤسس این علم سال‌ها جلوتر از زمان خود بوده است، با این وجود بطلان بسیاری از نظرهایش امروزه برای ما ثابت شده است. به‌طور مثال وی در باب پنجم از کتاب نخست در فصل اول می‌گوید:

«خداوند دو سنگ معدنی را که عبارت از زر و سیم است، برای قیمت هر محصولی آفریده است و آنها اغلب ذخیره و مایه کسب جهانیان هستند و اگر هم در برخی از اوقات مواد دیگری بجز زر و سیم می‌اندوزند باز هم به قصد به دست آوردن آن دو است؛ زیرا هر ثروتی به جز زر و سیم در معرض نوسان‌های بازار و رکود آن واقع می‌شود اما زر و سیم از این ماجرا دور هستند. بنابراین زر و سیم اصل و اساس همه کسب‌ها و به منزله مایه کسب و اندوخته است» (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲، ۷۵۵ و ۷۵۶).

بی‌تردید این نظر ابن خلدون مختص زمانی است که پول رایج طلا و نقره بوده و در زمان ما که پول اعتباری رایج است و رابطه آن با طلا و نقره قطع شده بطلان این نظر بدیهی است. موارد دیگر مانند:

«رابطه بین مقام و ثروت مثبت است» (همان: ۷۷۰).

«رابطه بین فروتنی و چاپلوسی و خوشبختی و افزایش روزی مثبت است» (همان: ۷۷۱).

«کشاورزی وسیله دهنشینان مستضعف و بادیه‌نشینان سلامت طلب است» (همان: ۷۸۰).

البته ابن خلدون در تحقیق خود به قانون‌هایی نیز دست یافته که اعتبار آنها هنوز پا برجاست. به‌طور مثال می‌توان به قانون‌های ذیل اشاره کرد:

«هرگاه به علت نقصان عمران و اجتماع، کارها فقدان پذیرد یا تقلیل یابد، خدا از میان رفتن محصول و کسب را در آن اجتماع اعلام خواهد فرمود» (همان: ۷۵۷).

«تنزل قیمت‌ها به پیشه‌وران زیان می‌رساند» (همان: ۷۸۴).

«صنایع در پرتو تکامل و توسعه اجتماع شهرنشینی تکمیل می‌شود» (همان: ۷۹۳).

بنابراین ابن خلدون نیز با اینکه در پی قانون‌های جهان‌شمول حاکم بر جامعه بوده است اما در بسیاری از موارد به این قانون‌ها دست نیافته و به خطا رفته است. باید بررسی شود که سرچشمه این خطاها چیست و آیا بشر می‌تواند بدون وحی از این خطاها مصون بماند؟ مطلب دوم این است که چه مقدار کار ابن خلدون مستند به اسلام است؟ نباید فراموش شود که ما فقط در پی آن نیستیم که اثبات کنیم چنین علم جهان‌شمولی وجود دارد؛ بلکه می‌خواهیم اثبات کنیم که قانون‌های این علم از دل آموزه‌های اسلام استنباط می‌شود. از این رو است که نویسنده محترم این بحث را تحت دو عنوان «یک تعریف اسلامی از علم اقتصاد» و «روش اسلامی علم اقتصاد» طرح می‌کند.

ابن خلدون برای اثبات قانون‌های جهان‌شمول حاکم بر جوامع از دو روش در

طول هم استفاده می‌کند: تحت استدلال عقلی و دوم استناد به شواهد تاریخی. البته در برخی موارد در ضمن این دو روش از آیه‌ها و روایت‌ها نیز برای تأیید استفاده می‌کند. وی نمی‌خواسته تعریفی اسلامی از علم‌العمران ارائه دهد یا روش اسلامی علم‌العمران را معرفی کند؛ بلکه می‌خواسته علمی را تأسیس کند که در تشخیص صحت و سقم گزاره‌های تاریخی مفید است.

دلیل دوم مندر قحف، وجود اصول موضوعه وصفی جهان‌شمول در کتاب و سنت است. علم اقتصاد سنتی بر اصول موضوعه وصفی مشتمل است که حاوی هیچ‌گونه قضاوت ارزشی نیستند. هم‌چنین اسلام این‌گونه اصول موضوعه را بیان کرده است. قرآن و سنت جمله‌های اثباتی متعددی درباره رفتار اقتصادی انسان دارد. وی این مقاله (همان: ۱۷۱) و مقاله «دین و اقتصاد» (همو، ۱۳۸۴: ۱۶۲) به آیه‌ها و روایت‌هایی تمسک می‌کند. شوقی دنیا و انس زرقا نیز به برخی از این آیه‌ها استدلال کرده‌اند. در اینجا لازم است مجموع آیه‌ها و روایت‌هایی که به آن استناد شده آورده و دلالت‌های آنها را بررسی کنیم.

آیه‌ها و روایت‌های مورد استناد

آیه‌های مورد استناد عبارتند از:

۱. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقَ هَلُوعًا. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (معارج (۷۰)، ۲۱ - ۱۹).
- «همانا بشر بسیار ناشکیبا آفریده شده است؛ وقتی شرّی به وی رسد ناراحت شود و وقتی خیری (یا کامیابی) به وی رسد بخل ورزد».
۲. «وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» (نساء (۴)، ۱۲۸).
- «بخل در نفوس بشر غلبه دارد».
۳. «إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب (۳۳)، ۷۲).
- «وی (انسان) همانا ظالم و جاهل بود»
۴. «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» (آل عمران (۳)، ۱۴).
- «در چشمان مردم عشق شهوت به زنان، فرزندان و گنج‌های جمع‌آوری شده از طلا و نقره ... زینت شده است».

۵. وَ إِنَّهُ لَحَبُّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (عادیات (۱۰۰)، ۸).

«و محققاً این انسان مال و ثروت را شدیداً دوست می‌دارد».

دو آیه اخیر دلالت بر تمایل نامحدود انسان به ثروت می‌کنند. هم‌چنین دلالت دارند که

مردان و زنان مقدار بیشتر (از اشیا و ثروت مادی) را بر مقدار کمتر ترجیح می‌دهند.

۶. «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ

لَايَاتِ بَخِيرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (نحل (۱۶)، ۷۶).

«و خداوند مثالی برای دو مرد زده (و می‌زند) که یکی از ایشان گنگ و قادر بر چیزی

نباشد، و سر بار صاحبش باشد، اگر صاحبش وی را متوجه هر کاری کند عمل خوبی

انجام نمی‌دهد، آیا یک چنین انسانی با آن کسی که امر به عدالت می‌کند و بر راه راست

است، یکسانند؟».

از این آیه دو مطلب را می‌توان استفاده کرد: یکی اینکه؛ کسی که قوای ادراکی‌اش به

طور تقریبی تعطیل است نمی‌تواند امور خود را تدبیر کند چه رسد به اینکه امور دیگران را

تدبیر کند. دوم اینکه؛ کسی که قوای ادراکی وی کامل است و حقایق را آن‌طور که هست

می‌فهمد و در رفتار خود اعتدال ورزیده و از افراط و تفریط پرهیز می‌کند و در صراط

مستقیم قرار دارد بر هدایت دیگران قادر است.

۷. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره (۲)، ۲۷۶).

«خدا (برکت) ربا را نابود می‌کند و صدقه‌ها را پرورش می‌دهد. خدا هر شخص تبه‌کار

ناسپاس را دوست ندارد».

این آیه بیان‌گر رابطه مثبت بین مشکل‌های اقتصادی و رواج عملیات ربا است.

۸. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ

إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (یس (۳۶)، ۴۷).

«و هنگامی که به وی گفته می‌شود: از آن رزق و روزی که خدا به شما داده (در راه خدا)

انفاق کنید افرادی که کافر شد به اشخاصی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: آیا جا دارد ما آن

کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست (می‌توانست) وی را اطعام کند؟ شما (مؤمنان)

در یک گمراهی آشکاری هستید».

این آیه دلالت دارد بر اینکه کفار از انفاق سر باز می‌زنند.

۹. «وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِلُ بَقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ»

(شوری (۴۲)، ۲۷).

«و اگر خدا روزی بندگانش را وسعت دهد، به طور قطع در زمین سر به عصیان برمی‌دارند؛ اما آنچه را بخواهد به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرو می‌فرستد. به راستی که وی به [حال] بندگانش آگاه بینا است».

۱۰. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» (علق (۹۶)، ۶ - ۷).

«حقیقاً که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد».

این دو آیه، اثر افزایش اساسی در ثروت و درآمد را بر رفتار انسانی بیان می‌کنند.

۱۱. «وَلَا تَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ سَلُّوا لِّلَّهِ مِن فَضْلِهِ إِنَّا اللَّهُ كَان بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء (۴)، ۳۲).

«آن فزونی و برتری را که خدا برخی از شما را بر بعضی دیگر داده است آرزو نکنید. مردان از آنچه که کسب کرده‌اند بهره‌ای دارند، و زنان نیز از آنچه که کسب کرده‌اند سهمی خواهند داشت، و از فضل خدا بخواهید، زیرا خدا به طور یقین بر هر چیزی دانا است».

۱۲. «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْسِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ» (طه (۲۰)، ۱۳۱).

«مبادا چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم متوجه کنی! که مادیات دنیوی چون شکوفه به زودی از بین می‌روند، ما این مادیات را در اختیار اینان نهاده‌ایم که امتحانشان کنیم و رزق و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر خواهد بود».

آنچه از دو آیه شریفه اخیر استنباط می‌شود، این است که تقاضای افراد برای کالاها، از آنچه نزد دیگران می‌بینند، اثر می‌پذیرد.

۱۳. «وَأِنْ تَوَلَّوْا وَ تَقَوُّوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَ لَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ. إِن يَسْأَلْكُمْ فَيُخْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَ يَخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ» (محمد (۴۷)، ۳۶ - ۳۷).

«و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید خدا پادشاهیتان را خواهد داد، و از شما اموالتان را نمی‌طلبد. اگر از شما مالی طلبد و به اصرار هم طلبد، آن گاه بخل می‌ورزید و کینه‌های نهفته‌تان را آشکار می‌سازد».

۱۴. «خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف (۷)، ۱۹۹).

«مازاد را أخذ کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان اعراض کن».

۱۵. «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْيَقِينُ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره (۲)، ۲۱۹).

«و از تو می‌پرسند، چه چیز انفاق کنند؟ بگو: آنچه افزون آید. خدا آیه‌ها را اینچنین برای شما بیان می‌کند، باشد که در کار دنیا و آخرت بیاندیشیم».

در سه آیه اخیر، مقوله وصفی به صورت این گزاره قابل تبیین است: آن چه می توان از مردم به صورت رایگان گرفت، دارای حدود معینی است؛ به گونه ای که اگر از آن حدود تجاوز کنیم، سبب بروز و ظهور کینه های پنهان آنها می شود.

۱۶. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى» (طه (۲۰)، (۱۲۴).

«و هر کس که از یاد من اعراض کند، زندگیش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محسورش سازیم».

۱۷. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف (۷)، (۹۶).

«اگر مردم قریه ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکات آسمان و زمین را به رویشان می گشودیم، اما پیامبران را به دروغگویی نسبت دادند. ما نیز به کیفر کردارشان مؤاخذه شان کردیم».

دو آیه اخیر بیان گر رابطه مثبت بین مشکل ها و فقدان ایمان هستند.

روایت هایی که به آن استناد شده است عبارتند از:

۱. «لو أن لابن آدم واد من ذهب لابتغى ثانياً، و لو أن له واديان لابتغى ثالثاً».

«اگر فرزند آدم، صحرائی پر از طلا داشته باشد، دومی را آرزو می کند و اگر دومی را داشته باشد، سومی را آرزو می کند (این روایت را ترمذی نقل کرده، بخاری و مسلم نیز همین مضمون را نقل کرده اند)».

از این روایت استفاده می شود که انسان از تملک مال دنیا سیر نمی شود و مضمون روایت

شبيه مضمون آیه «إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» می شود (بنابراین که خیر به معنای مال باشد).

۲. «خَطَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، خَطًّا مَرَبَعًا وَ خَطًّا مَرَبَعًا مِّنَ الْوَسْطِ خَارِجًا مِنْهُ وَ خَطًّا مَرَبَعًا صَغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسْطِ فِي جَانِبِ الَّذِي فِي الْوَسْطِ. فَقَالَ: هَذَا الْإِنْسَانُ وَ هَذَا أَجَلُهُ مَحِيطٌ بِهِ، وَ هَذَا الَّذِي خَارِجٌ أَمْلُهُ، وَ هَذِهِ الْخَطُّ الصَّغَارُ الْأَعْرَاضُ فَإِنْ أَخْطَأَ هَذَا نَهَشَهُ هَذَا».

«رسول خدا ﷺ ابتدا خط مربعی کشید، و خطی از وسط به خارج آن کشید و خطوط کوچکی را به خطی که در وسط بود و به دو جانب آن وصل کرد و فرمود: «این انسان است و این اجلی است که محیط بر وی است، و این خطی که خارج است، آرزوی اوست، و این خط های کوچک حوادثند. اگر یکی خطا کند، دیگری او وی می گیرد» (این روایت را بخاری و ترمذی نقل کرده اند).

از این روایت استفاده می شود که انسان در افق بلندمدت برنامه ریزی می کند و رفتارهای

خود را بر این اساس پی ریزی می کند.

۳. در حدیثی از مسلم چنین نقل شده:

«به کسانی که وضعیت بدتری از شما دارند، نظر کنید و به آنانی که وضعیت مساعدتری دارند، ننگرید. شما با انجام چنین عملی، به طور احتمال احساس نارضایتی کمتری درباره نعمت‌های الهی دارید.»

این روایت دلالت بر وابستگی متقابل بین سطح رضایت فرد و موقعیت نسبی وی، هنگامی که خود را بین همتایانش تصور می‌کند، دارد.

۴. «با دروا بالاعمال... هل تتظرون الا... فقر منسیاً او غنی مطغياً...»*

«به اعمال صالحه مبادرت ورزید. ... آیا به جز فقری که سبب فراموشی است یا غنایی که باعث طغیان است، چیزی می‌بینید.»

این گزاره‌ها، مقوله‌های وصفی اقتصادی هستند که افزایش ثروت را با میل به طغیان ارتباط می‌دهند.

۵. «لو ان لابن ادم واديين من المال لاحب ان يكون معهما ثالث ...»**

«اگر فرزند آدم، به اندازه دو وادی مال داشته باشد، دوست دارد بر این دو، وادی سومی افزوده شود.»

این روایت دلالت دارد بر اینکه انسان به‌طور نامحدود ثروت را دوست دارد.

۶. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«به کسی که پایین‌تر از شما [از جهت سطح زندگی] است بنگرید، و به بالاتر از خود نگاه نکنید؛ زیرا این کار برای آنکه نعمت خدا را کوچک شمارید، شایسته‌تر است (به روایت مسلم).»

از این حدیث نبوی نتیجه می‌شود که رضایت‌خاطر مصرف‌کننده از آنچه دارد، در اثر مقایسه خود با دیگران، یا به عبارتی وضعیت نسبی‌اش، اثر می‌گیرد.

به عقیده منذر قحف، انس زرقا و شوقی دنیا این جمله‌ها و جمله‌های اثباتی مشابه مبتنی بر وحی با طبیعتی که دارند، فراخور بشریت‌اند و می‌توانند رفتار بشر را با روشی جهان‌شمول با قطع نظر از دین، فرهنگ، سطح توسعه، نژاد و غیره توضیح دهند.

*. این حدیث را ترمذی روایت کرده و در مورد آن گفته است که حدیث حسن است، و در ریاض‌الصالحین نیز آن را نقل کرده است (ر.ک: ترمذی، بی‌تا: ص ۱۱۵).

** این حدیث را ابن‌ماجه در سنن خود روایت کرده است (قزوینی، ۱۴۲۳: ۲، ۴۳۵، ح ۴۲۸۹).

نقد و بررسی

به طور کلی علم اقتصاد نمی‌تواند جهان‌شمول باشد؛ زیرا علم اقتصاد علمی است که به وصف، تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی می‌پردازد. وصف مقدمه تبیین و پیش‌بینی نتیجه آن است و تبیین رفتارهای انسان با صرف‌نظر از جهان‌بینی و ارزش‌های وی عقلاً ممکن نیست.

«تبیین»، عبارت از بیان چگونگی رابطه‌های میان پدیده‌های اجتماعی و روشن کردن این نکته است که چگونه پدیده‌های اجتماعی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و باعث بروز یا تغییر یکدیگر می‌شوند (ر.ک: کامران و نیک‌خلق، ۱۳۸۴: ۱۴۷؛ ساروخانی، ۱۳۷۸: ۱، ۵۱۱ – ۵۰۸؛ لیتل، ۱۳۷۳: ۱۵ – ۱). جان استوارت میل در تعریف تبیین می‌گوید:

«یک واقعه را وقتی می‌توان تبیین شده دانست که علت بروز آن نشان داده شود» (همان).

بر این اساس در علم اقتصاد نیز در جایگاه یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی تبیین رفتارها و پدیده‌های اقتصادی ناشی از آنها، به مفهوم شناخت علت بروز آنها و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر است. علت رفتارها عامل‌هایی است که بر انگیزه و اراده افراد مؤثر است و بینش‌ها و ارزش‌هایی که افراد به آن معتقدند عمده‌ترین عوامل مؤثر بر رفتارهاست. بر این اساس، رفتارهای اقتصادی، بدون توجه به بینش‌ها و ارزش‌هایی که در وراء آنها نهفته است، قابل تبیین نیست و چون بینش‌ها و ارزش‌ها در جامعه‌های گوناگون متفاوتند، به طور عقلی ممکن نیست به مجموعه قواعد واحدی برای تبیین آنها دست یافت.

علم اقتصاد اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. بر این اساس اگر مقصود از جهان‌شمول بودن علم اقتصاد اسلامی آن است که این علم بر قانون‌های علمی جهان‌شمولی مشتمل است که به وسیله آن قانون‌ها می‌توان رفتارهای انسان (اعم از اینکه مسلمان باشد یا کافر) را تحلیل کرد، در این صورت باید گفت چنین چیزی به طور عقلی ممکن نیست.

آیه‌ها و روایت‌هایی که در این‌باره مورد استناد قرار گرفته نیز دلالتشان تمام نیست زیرا این نصوص بر دو قسمند:

أ. برخی از آنها درباره همه انسان‌ها نیست بنابراین، جهان‌شمول نیستند. یعنی فقط درباره انسان‌های غیرمومن که شهوت را بر عقل حاکم کرده‌اند صادق است نه همه

انسان‌ها. برای نمونه، این آیه مبارکه ذیل:

«همانا بشر حریص آفریده شده است؛ وقتی شری به وی رسد ناراحت شود و وقتی خیری (یا کامیابی) به وی رسد بخل ورزد» (معارج (۷۰)، ۱۹-۲۱).

درباره انسان‌های غیرمؤمن است بنابراین در ادامه آیه‌ها نمازگذاران استثنا می‌شوند.* البته اصل اینکه انسان هلوع و حریص آفریده شده است با توضیحی که در چند سطر بعد از مرحوم علامه طباطبائی^ع نقل خواهیم کرد، مطلب صحیحی است.

همچنین این آیه کریمه ذیل:

«در چشمان مردم عشق شهوت به زنان، فرزندان و گنج‌های جمع‌آوری شده از طلا و نقره ... زینت شده است» (آل عمران (۳)، ۱۴).

درباره کفار است که حب دنیا آنان را از یاد آخرت باز می‌دارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷:

۳، ۱۰۰ - ۹۵).

ب. برخی از آیه‌ها درباره صفتهای فطری انسان است که خداوند وی را با این

صفت‌ها آفریده است. به‌طور نمونه، به آیه‌های کریمه ذیل توجه کنید:

«بخل در نفوس بشر غلبه دارد» (نساء (۴)، ۱۲۸).

«انسان حریص آفریده شده است» (معارج (۷۰)، ۱۹).

این اوصاف درباره طبیعت انسان است. بخل در وجود انسان نهاده شده است

تا از منافع خود محافظت کند (طباطبائی، ۱۴۱۱: ۵، ۱۰۳). حرص بر آنچه که

برای انسان خیر است در ذات انسان وجود دارد. گرچه همه انسان‌ها چنین ذات و

فطرتی دارند و این وصف‌ها جهان‌شمولند؛ اما مادامی که با بینش‌ها و ارزش‌ها

نیامیخته‌اند در رفتارها تبلور نمی‌یابند و انسان‌ها با بینش‌ها و ارزش‌هایی متفاوت

رفتارهای متفاوتی خواهند داشت. به‌طور مثال، اگر انسان مادی‌گرا باشد و خیر را

به منافع مادی خود تفسیر کند حرص وی بر خیر، در کوشش برای بیشینه‌کردن

منافع مادی‌اش تبلور می‌یابد در حالی که اگر جهان‌بینی اسلامی داشته باشد و خیر

را براساس ارزش‌های اسلامی تعریف کند همین حرص در کوشش برای

*. درباره تفسیر این آیه ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۰، ۱۶ - ۱۳.

بیشینه کردن مصالح آخرتی و دنیوی تبلور می‌یابد. بنابراین تردیدی نیست که انسان‌ها فطرت و طبیعت واحد دارند و صفتهای ذاتی آنها مشترک است ولی اینها نمی‌توانند سرچشمه پدید آمدن علم اقتصاد جهان شمول باشند. زیرا طبیعت اولیة انسان همراه با بینش‌ها و ارزش‌ها سرمنشأ رفتارها هستند و چون بینش‌ها و ارزش‌ها متفاوت است رفتارها و قانون‌های حاکم بر آنها نیز متفاوت خواهد بود. از این رو در اثبات وجود علمی که مشتمل بر مجموعه‌ای از قانون‌های جهان‌شمول برای تحلیل رفتارهای اقتصادی همه انسان‌ها با بینش‌ها و ارزش‌های متفاوت است، استناد به این آیه‌ها صحیح نیست و اثبات وجود این قانون‌های نیازمند ادله دیگری است.

در آیه‌ها و روایت نوع سومی از گزاره‌های وصفی وجود دارند که مورد غفلت صاحبان این نظریه قرار گرفته است. و آن گزاره‌هایی است که به وصف سنت‌های الهی می‌پردازند. سنت‌های الهی قانون‌های غیرقابل تبدیل و تغییر الهی است که در جامعه‌ها جریان دارد. این سنت‌ها گزاره‌های وصفی‌اند که رابطه علی و معلولی بین دو پدیده یا رفتار را بیان می‌کنند. مانند:

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» (رعد (۱۳)، (۱۱)).

«خداوند وضع هیچ ملتی را دگرگون نمی‌کند تا خودشان در خود تغییر پدید آورند».

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف (۷)، (۹۶)).

«اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، به طور قطع برکاتی از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم؛ اما آنان [به جای ایمان] تکذیب کردند [و کفر ورزیدند] پس ما هم، به علت کردارشان، آنان را [با قهر خود] گرفتیم».

«لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم (۱۴)، (۷)).

«اگر سپاسگزار نعمت‌های الهی باشید، آن نعمت‌ها را می‌افزاییم و اگر کفران نعمت کنید، البته عذاب من شدید است».

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق، (۶۵)، (۲ - ۳)).

«هر کس تقوا پیشه کند خداوند راه نجاتی برایش قرار دهد و وی را از جایی که گمان ندارد، روزی دهد».

امام علی علیه السلام فرمود: (محمدی‌ری‌شهری، بی‌تا: ۱، ۲۵۶ - ۲۵۷).

«بِالْعَدْلِ تَنْصَاعُ الْبَرَكَاتُ».

«به وسیله حاکمیت عدل برکات و نعمت‌های خداوند دو چندان می‌شود».

«اذا ظهرت الجنایات ارتفعت البرکات» (همان).

«وقتی در جامعه جنایت‌ها و ظلم‌ها آشکار شود، برکات و نعمت‌های الهی رخت برمی‌بندد».

در وجود چنین قانون‌ها و سنت‌های الهی در سطح رفتارهای فردی و اجتماعی تردیدی وجود ندارد. اما این قانون‌ها علل و انگیزه رفتارها را بیان نمی‌کند بلکه نتیجه و اثرهای آنها را بیان می‌کند. از این‌رو برای تبیین رفتارها کاربردی ندارد و فقط برای پیش‌بینی اثرهای رفتارها به کار می‌رود.

نتیجه آنکه، اگر مقصود از علم جهان‌شمول آن است که اسلام مجموعه‌ای از قانون‌های علمی جهان‌شمولی را ارائه کرده است که با آنها می‌توان رفتارهای افراد و جامعه‌های مسلمان و کافر را تبیین کرد، ادله پیش‌گفته آن را اثبات نمی‌کند.

نظریه مختار

چنانکه گذشت ما در این مقاله درباره علم اقتصاد به مفهوم خاص آن یعنی علمی که به وصف، تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی می‌پردازد سخن می‌گوییم. از بحث‌های پیشین روشن شد که علم اقتصاد اسلامی جهان‌شمول که موضوع آن انسان و جامعه انسانی باشد و قانون‌های علمی جهان‌شمولی برای تبیین رفتارهای اقتصادی انسان‌ها با هر مکتب و مرامی را ارائه کند، وجود ندارد و با برهان عقلی اثبات کردیم که وجود چنین علمی محال است. اما بر این باوریم که علم اقتصاد بدین مفهوم را به دو وجه می‌توان به اسلام منتسب کرد:

۱. از راه موضوع؛

۲. از راه مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی.

در ادامه هر یک از این‌دو را بررسی می‌کنیم.

انتساب علم اقتصاد به اسلام از راه موضوع

اگر موضوع این علم رفتارهای انسان‌های مسلمان در جامعه اسلامی باشد، حتی اگر روش وصف، تبیین و پیش‌بینی یکسان باشد، نیز نتیجه‌ها فرق می‌کند؛ زیرا اصول مذهب اقتصادی اسلام با اصول مذهب مکتب سرمایه‌داری متفاوت است. همچنین انگیزه‌های انسان مسلمان در مصرف، تولید، توزیع و قاعده‌های رفتاری‌اش در این سه حوزه با انسان مکتب سرمایه‌داری متفاوت است. حقوق و اخلاق اسلامی در امور اقتصادی با سرمایه‌داری متفاوت است. بر این اساس انتظار آن است که نتیجه‌ها نیز متفاوت باشد.

در این صورت اگر روش علم اقتصاد متعارف را در وصف، تبیین و پیش‌بینی بپذیریم، اشکال شهید صدر^{ره} وارد است. زیرا با این روش فقط وقتی می‌توان از علم اقتصاد اسلامی سخن گفت که ظرف بررسی‌های علمی رفتارهای انسان‌های مسلمان در جامعه‌ای باشد که اصول مذهب اقتصادی اسلام در آن جاری است. بلکه به نظر می‌رسد تحقق اصول مذهب اقتصادی اسلام کافی نیست و باید اخلاق و حقوق اقتصادی اسلام نیز در جامعه نهادینه شود.

اما اگر روش استنتاجی - فرضیه‌ای را در علوم اجتماعی صحیح ندانیم و بتوانیم روشی بدیل براساس مبانی اسلامی ارائه دهیم در این صورت اشکال شهید صدر^{ره} را باید براساس روش جدید ارزیابی کنیم.

انتساب از راه مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی

مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام با مکتب سرمایه‌داری متفاوت است. بیان مشروح این اختلاف‌ها نیازمند چندین جلد کتاب است. در این مختصر فقط عنوان‌های برخی اختلاف‌های مهم را در قالب جدول‌های ذیل بیان می‌کنیم و علاقه‌مندان را به کتابی که در این باره نگاشته شده است ارجاع می‌دهیم.*

*. ر.ک: میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام (مبانی و اهداف)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در دست چاپ.

أ. جدول اختلافها در مبانی معرفت‌شناختی

اسلام	سرمایه‌داری	مبانی معرفت‌شناختی
مادی و مجرد	مادی	انواع واقعیت
- حصولی و حضوری؛ - وجود واقعی مفاهیم کلی (اتحاد ذهن و خارج)؛ - مطلق بودن ارزش‌ها.	- شناخت حصولی؛ - تفکر نومیالیستی درباره مفاهیم کلی (جدایی ذهن و واقع)؛ - نسبییت ارزش‌ها.	انواع شناخت
حس، عقل و وحی	تجربه حسی	ابزار شناخت
بدیهیات اولیه و وجدانیات ارزش یقینی دارند و راز خطاناپذیری آنها این است که تطابق علم و معلوم به وسیله علم حضوری ثابت می‌شود. قضایه‌های غیربدیهی را باید با معیارهای منطقی ارزشیابی کرد.	گزاره‌های تحلیلی (همانگویی یا تناقض‌گویی) و ترکیبی (که با مشاهده قابل اثبات یا ابطالند) معنادار هستند.	ارزش و معیار شناخت

ب. جدول اختلافها در مبانی هستی‌شناختی

نظام اقتصادی اسلام	نظام اقتصادی سرمایه‌داری	مبانی فلسفی
خداوند خالق، قیوم، محیط، رب، مالک، ولی، هادی، رزاق، است.	دئیسم (ساعت‌ساز لاهوتی) یا لادری‌گری یا انکار خدا	خداشناسی
نظام علل مادی و مجرد که به خداوند متعال منتهی می‌شود.	نظام طبیعی منقطع از خداوند	جهان‌شناسی
موجودی مادی و مجرد، خلیفه خداوند، مختار و ... است.	انسان موجودی مادی، مالک علی‌الاطلاق وجود و اموال خویش، مقهور امیال و ... است.	انسان‌شناسی
- اصالت فرد و جامعه؛ - جریان سنت‌های الهی در جامعه.	اصالت فرد و اعتباری‌بودن جامعه	جامعه‌شناسی

نتیجه گیری

روش فرضیه‌ای - استنتاجی محصول مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی سرمایه‌داری است. ما باور داریم این روش در کشف حقیقت و تبیین رفتارهای اقتصادی با اشکال‌های جدی روبه‌رو است و براساس مبانی اسلامی می‌توان به روش جدیدی برای تبیین و پیش‌بینی رسید.

در صورتی که چنین روشی ابداع و ارائه شود می‌توان مدعی وجود علم اقتصاد اسلامی جهان‌شمول بود. در این صورت انتساب علم اقتصاد به اسلام به علت آن است که روش بررسی‌های علمی بر مبانی بینشی اسلامی مبتنی است نه به این علت که موضوع بررسی‌های علمی رفتارهای اقتصادی مسلمان‌ها در جامعه اسلامی است و جهان‌شمول بودن به این معنا است که با این روش می‌توان جامعه غیراسلامی را نیز مورد بررسی‌های علمی قرار داد و به معنای وجود قانون‌های جهان‌شمولی که با آنها بتوان رفتارهای اقتصادی مسلمان و غیرمسلمان را در جامعه‌های گوناگون اسلامی و خیر اسلامی تبیین کرد، نیست.

نتیجه آنکه علم اقتصاد اسلامی با روشی مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام می‌تواند به وصف، تبیین و پیش‌بینی در جامعه‌های اسلامی و غیراسلامی بپردازد. اما این به معنای قانون‌های علمی جهان‌شمول برای تبیین رفتارهای انسان‌های مسلمان و غیرمسلمان در جامعه‌های اسلامی و غیراسلامی نیست. بلکه چنین چیزی امکان عقلی ندارد. علم اقتصاد اسلامی با به‌کارگیری این روش در جامعه‌های اسلامی به نتیجه‌های متفاوت با جوامع غیراسلامی خواهد رسید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

أ. فارسی و عربی

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۷۵ش، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین کنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، اول.
۲. اچمای، لودویک، بی تا، علم اقتصاد، ترجمه علی اصغر هدایتی، بی جا: جامعه و اقتصاد.
۳. آل سعود، محمد فیصل، بی تا، تعریف الاصطلاحی للعلم الاقتصاد الاسلامی، بی جا: بی تا.
۴. بار، ریمون، ۱۳۷۵ش، اقتصاد سیاسی، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی.
۵. بعلی، عبدالحمید محمود، ۱۴۲۱ق، اصول الاقتصاد الاسلامی، ریاض: دار الراوی.
۶. ترمذی، بی تا، ریاض الصالحین، بی جا: بی تا.
۷. تفضلی، فریدون، ۱۳۷۶ش، اقتصاد کلان، تهران: نشر نی.
۸. جنیدل، احمد بن عبدالرحمن، ۱۴۰۶ق، مناهج الباحثین فی الاقتصاد الاسلامی ۱، بی جا: شركة العیبکان.
۹. زرقا، انس محمد، ۱۳۸۳ش، «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ترجمه منصور زراءنژاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۵.
۱۰. _____، ۱۳۸۰ش، «روش شناسی علم اقتصاد اسلامی»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ترجمه ناصرجهانیان و علی اصغر هادوی نیا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۰.
۱۱. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۸ش، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. شوقی دنیا، احمد، ۱۳۸۲ش، «نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ترجمه خداداد جلالی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و

- اندیشه اسلامی، ش ۱۲.
۱۳. شوقی فنجرى، محمد، ۱۹۹۷م، المذهب الاقتصادى فى الاسلام، بى جا: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سوم.
۱۴. صدر، سيدمحمدباقر، ۱۴۰۸ق، اقتصادنا، بى جا: المجمع العلمى للشهيد الصدر، دوم.
۱۵. طباطبایى، سيدمحمدحسين، ۱۴۱۷ق، الميزان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة العلمى للمطبوعات، اول.
۱۶. طريقى، عبدالله عبدالمحسن، ۱۴۱۷ق، بى جا: «أسس و مبادئ و اهداف»، الاقتصاد الاسلامى، مؤسسة الجريسي للتوزيع.
۱۷. عودة، رياض صالح، ۱۴۲۶ق، مقدمة فى الاقتصاد الاسلامى، بيروت: دارالهادى، اول.
۱۸. فتحى احمد، عبدالكريم و العسال، احمد محمد، ۱۴۱۳ق، النظام الاقتصادى فى الاسلام، مبادئه و اهدافه، قاهرة: مكتبة الوهبة، هفتم.
۱۹. فرگوسن، ۱۳۶۶ش، نظريه اقتصاد خرد، ترجمه محمود روزبهان، تهران: مركز نشر دانشگاهى، اول.
۲۰. قحف، منذر، ۱۳۸۵ش، «علم اقتصاد اسلامى، تعريف و روش»، فصلنامه تخصصى اقتصاد اسلامى، ترجمه سيدحسين ميرمعزى، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، ش ۲۳.
۲۱. قرى، محمد بن على، ۱۴۲۳ق، مقدمة فى اصول الاقتصاد الاسلامى، جدة: دارحافظ، چهارم.
۲۲. قزوینى، محمد بن یزید، ۱۴۲۳ق، سنن ابن ماجه، بيروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. کامران، فریدون و نیک خلق، على اکبر، ۱۳۸۴ش، روش های تحقیق در علوم اجتماعى، تهران: نشر استاديار وابسته به مؤسسه تحقیقاتى دانشيار.
۲۴. لیسی، ریچارد جی و هاربرى، کالین، ۱۳۷۸ش، اصول علم اقتصاد ۱، اقتصاد خرد، ترجمه و تألیف دکتر م. فکری ارشاد، مشهد: نشر نیکا، اول.
۲۵. لیتل، دانیل، ۱۳۷۳ش، تبیین در علوم اجتماعى، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگى صراط.
۲۶. محمدى رى شهرى، محمد، بى تا، ميزان الحكمة، قم، دارالحديث، اول.

۲۷. مهلهل، د. متوکل بن عباس بن محمد، ۱۴۲۳ق، سمات الاقتصاد الاسلامی، المدينة المنورة: مكتبة دار الايمان، اول.
۲۸. نجار، مصلح عبدالحی، ۱۴۲۴ق، تأصيل الاقتصاد الاسلامی، الرياض: مكتبة الرشد، اول.
۲۹. همتی، عبدالناصر، ۱۳۷۴ش، اقتصاد کلان، مقدمه‌ای بر سیاست‌های پولی و مالی، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
۳۰. هندرسن، جمیز. م و کوانت، ریچارد ا، بی‌تا، تئوری اقتصاد خرد، ترجمه مرتضی قره‌باغیان و جمشید پژویان، بی‌جا: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳۱. یسری احمد، عبدالرحمن، ۲۰۰۳م، دراسات فی علم الاقتصاد الاسلامی، بی‌جا: الدار الجامعیة.

ب. انگلیسی

1. Awan, Kazim Reza, 1992, *Lectures on Islamic economics*, Ausaf ahmad Islamic research and training institute, Islamic development bank.